

## الدَّرْسُ الثَّامِنُ

درس هشتم

**المُعَجَمُ (١٦) کلمه جدید**

لَا بَأْسَ : اشکالی ندارد  
لَا شُكْرٌ عَلَى الْوَاجِبِ : وظیفه  
بود؛ تشکر لازم نیست  
**مُتَحَفٌ** : موزه  
**مُكَرَّمٌ** : گرامی داشته شده  
**نُقُودٌ** : پول، پولها

ذَلِيلٌ : راهنمای  
رَكِبٌ : سوار شد  
(مضارع: يَرْكُبُ)  
**سَيَارَةُ الْأَجْرَةِ** : تاکسی  
كَثُرٌ : زیاد شد  
(مضارع: يَكْثُرُ)  
**كُنْتُ أَشْتَغِلُ** : کار می کردم

إِدْخَالٌ : داخل کردن  
إِشْتَغَلَ : کار کرد  
(مضارع: يَشْتَغِلُ)  
بِئْرٌ : چاه  
تَعَالٌ : بیا  
تَفَضَّلُ : بفرما  
ثَلَاثُونَ، ثَلَاثِينَ : سی



گفت گو میان زائر و راننده تاکسی



سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما -

سلام بر شما -

باد! کجا می روید؟

- خوش آمدید بفرمایید سوار شوید. - به موزه مکه مکرمه می رویم.

- چهل ریال - چند ریال از ما می گیری؟ -

- ببخشید سی ریال برای هر زائر ده ریال. - کرایه گران است. ما سه نفر هستیم.

- آیا پول ایرانی قبول می کنی؟  
بله. اشکالی ندارد. ای جوانان آیا شما ایرانی هستید؟
- بله و تو اهل کجا هستی؟  
من پاکستانی هستم و در اینجا مشغولم. در
- آیا تاکنون موزه را دیده‌ای؟  
کشورم در مزرعه کار می‌کردم
- آیا زیارت ندارم.  
نه؛ ندیده‌ام. فرصت ندارم.
- چرا به آنجا نرفتی؟  
زیرا من از صبح تا شب کار می‌کنیمو
- ببخشید ساعت چند است؟  
ده تمام.
- همراه ما بیا. سپس با هم برمی‌گردیم.  
نه؛ نمی‌توانم. بسیار سپاسگزارم.
- آیا می‌پذیری،

### ۱۰ گفت گو میان زائر و راهنمای موزه

- در این موزه چه چیزی هست؟  
آثار تاریخی حرمین شریفین.
- و این ستون چیست؟  
ستون چوبی کعبه.
- و این آثار چیست؟  
درب منبر قدیمی مسجد پیامبر. آثار  
چاه زمزم، تصاویر حرمین شریفین و  
مقبره بقیع و آثار زیبای دیگر
- به خاطر توضیحات سودمندان -  
وظیفه بود؛ نیازی به تشکر نیست.  
سپاسگزارم.

 درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.

نادرست درست

- |                                     |                                     |   |
|-------------------------------------|-------------------------------------|---|
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            | ۱. آَزُوْاْرُ الْإِيرَانِيُّونَ رَكِبُوا حَافِلَةً الْفُندُقِ.<br>زائران ایرانی سوار اتوبوس هتل شدند.                       |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            | ۲. كَانَ الزُّوْارُ يَذْهَبُون إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ.<br>زائران به شهر مدینه منوره می رفتند.                    |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            | ۳. كَانَ السَّائِقُ يَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الظَّهَرِ.<br>راننده از صبح تا ظهر کار می کرد.                        |
| <input type="checkbox"/>            | <input checked="" type="checkbox"/> | ۴. أَخَذَ سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ ثَلَاثِينَ رِيَالًا مِنَ الزُّوْارِ.<br>راننده تاکسی سی ریال از زائران دریافت کرد. |
| <input type="checkbox"/>            | <input checked="" type="checkbox"/> | ۵. فِي الْمُتَحَفِ آثارٌ تَارِيْخِيَّةٌ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.<br>در موزه آثار تاریخی حرمین شریفین وجود دارد.       |

 معادل فعل ماضی استمراری در زبان عربی  (كانوا يَفْعَلُونَ = انجام می داکند)

ماضی ساده: نشان دهنده کاری است که در گذشته انجام و تمام شده است؛

مثال: نوشته، گفت.

ماضی استمراری: نشان دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است؛

مثال: می نوشته، می گفت.



الْبِنْتَانِ كَانَتَا تَكْتُبَانِ واجِباتِهِما.

دختران تکالیف‌شان را می نوشتند.

الْطُّلَابُ كَانُوا يَدْرُسُونَ بِدِقَّةٍ.

دانش آموزان به دقیق درس می خوانند.

۱. در ارزشیابی، سوالی که حرف (الف) در فعل (كان) حذف می شود؛ مانند: «**كُنْ يَسْمَعَنَ**» طرح نشود.

## فَنْ ترجمة

۱. فعل «كان» گاهی پیش از فعل مضارع می‌آید و معادل «ماضی استمراری» در فارسی

می‌شود؛ مثال:

﴿وَ مَا ظَلَمُهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ التَّحْلِيل  
۳۳ و خدا به آنها ستم نکرد، ولی خود به خویشتن ستم می‌کردند.

 با توجه به آنچه خواندید جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. ﴿...كَانَا يَأْكُلُانِ الطَّعَامَ...﴾ المائدة ۷۵

آن‌ها غذا می‌خورند.

۲. ﴿...كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ المائدة ۶۳

می‌ساختند.

۳. ﴿...كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ الأنعام ۱۲۷

کار می‌کردند.

۴. ﴿... كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ البقرة ۷۵

گروهی از آنها کلام خدا را می‌شنیدند.

۵. كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكَتبَةِ.

دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می‌خوانندند.

## الْتَّمَارِينُ



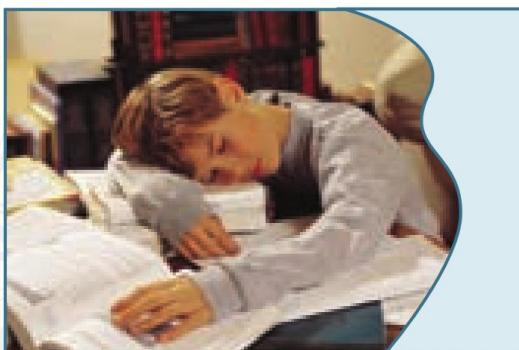
### التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

● درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت بنویسید.

١. دَلِيلُ الْمُتَحَفِ يَشْتَغلُ فِي مَصْنَعِ الْأَبْوَابِ وَ النَّوَافِذِ.  
راهنمای موزه در کارگاه درب و پنجره ها کار می کرد.
٢. الْبَئْرُ حُفَرَةٌ عَمِيقَةٌ فِي الْأَرْضِ فِيهَا ماءٌ أَوْ غَيْرُهُ.  
چاه حفره عظیمی است در زمین که در آنجا آب یا چیزهای دیگری است.
٣. فِي الْمُتَحَفِ آثارٌ تَارِيْخِيَّةٌ لِلْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ.  
در موزه آثار تاریخی برای خرید و فروش وجود دارد.
٤. الْبَطَارِيَّةُ مَخْرَنُ الْكَهْرَباءِ فِي السَّيَارَةِ.  
باطری انبار(مخزن) برق در خودرو است.
٥. بَيْتُ اللَّهِ فِي مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ.  
خانه خدا در مکه مکرمه است.

### التَّمْرِينُ الثَّانِي

● بخوانید و ترجمه کنید.



كانَ الْعَمَالُ يَصْنَعُونَ بَيْتاً وَ هُمْ الآنَ وَاقِفُونَ. كانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ وَاجِباتِهِ؛ فَأَخَذَهُ التَّوْمُ.  
کارگران خانه می سازند و آنها حالا ایستاده اند..... برادر کوچکم تکالیفش را می نوشت، پس خوابش گرفت.

## الْتَّمْرِينُ الْثَالِثُ

● در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

يَرْكِبُونَ / يَشْتَغِلُ / نُقُودٍ / تَعَالَ / الْبِئْر / تَفَضْلٌ / دَلِيلٍ

1. أَيْنَ ..... يَشْتَغِلُ ..... أَخْوَكَ الْأَكْبَرُ؟ - هُوَ يَعْمَلُ فِي مُنَظَّمَةِ الْأَمْمِ الْمُتَّحِدَةِ.

برادر بزرگ ترت در کجا کار می کند؟ - او در سازمان ملل کار می کند.

2. الدِّرْهَمُ وَ الدِّينَارُ وَ الرِّيَالُ وَ الْلِّيَرَهُ أَسْمَاءُ ..... نُقُودٍ .

درهم و دینار و ریال و لیره اسم‌های پول هستند.

3. حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى ..... دَلِيلٍ ..... السَّفَرِ.

حجیان کاروان به راهنمای سفر نیاز داردند.

4. إِسْتَخْرَاجُ الْفَلَاحُونَ مَاءً مِن ..... الْبِئْرِ ..... لِلزِّرَاعَةِ.

کشاورزان برای کشاورزی آبی از چاه استخراج می کنند.

5. كَانَ التَّلَامِيدُ ..... يَرْكِبُونَ ..... حَافِلَةً الْمَدَرَسَةِ.

دانش آموزان سوار اتوبوس مدرسه می شدند.

## الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● جدول زیر را کامل کنید.

سَمِعَ	شَنِيد	يَسْمَعُ	مِنْ شَنِيد	كَانَ يَسْمَعُ	مِنْ شَنِيد
أَنْقَذَ	نَجَاتَ دَادَ	يُنْقِذُ	نَجَاتَ مِنْ دَهْدَه	كَانَ يُنْقِذُ	نَجَاتَ مِنْ دَادَ
إِشْتَغَلَا	كَارَ مِنْ كَرَدَنَد	يَشْتَغِلَانِ	كَارَ مِنْ كَنَد	كَانَا يَشْتَغِلَانِ	كَارَ مِنْ كَرَدَنَد
حاَوَلَوا	تَلَاشَ كَرَدَنَدَ	يُحاَوِلُونَ	تَلَاشَ مِنْ كَنَد	كَانُوا يُحاَوِلُونَ	تَلَاشَ كَرَدَنَدَ
سَأَلَّتا	پَرْسِيَدَنَدَ	تَسَأَلَانِ	مِنْ پَرْسِنَد	كَانَتَا تَسَأَلَانِ	مِنْ پَرْسِيَدَنَدَ
سَاعَدُوا	كَمَكَ مِنْ كَرَدَنَدَ	يُسَاعِدُونَ	كَمَكَ مِنْ كَنَد	كَانُوا يُسَاعِدُونَ	كَمَكَ مِنْ كَرَدَنَدَ

## ٤٠ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

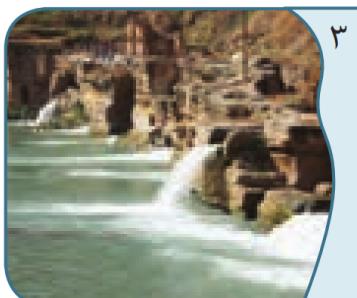
● هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

- |                    |        |
|--------------------|--------|
| ١. الْكَهْرَبَاءُ  | برق    |
| ٢. الْمَطَرُ       | باران  |
| ٣. الْرَّئِيْسِيُّ | اصلی   |
| ٤. الْعَدُوُ       | دشمن   |
| ٥. الْفَلَاحُ      | کشاورز |
| ٦. الْنَّارُ       | نار    |
- طَافَةٌ تَشْتَغِلُ بِهَا الْأَلَاتُ وَ الْأَدَوَاتُ الصَّناعِيَّةُ.  
نیرویی است که به وسیله آن ابزار و ادوات صنعتی کار می‌کنند.
- هُوَ الَّذِي لَا يَطْلُبُ لَكَ الْخَيْرَ بَلْ يَطْلُبُ الشَّرَّ.  
او کسی است که برای تو خیر نمی‌خواهد بلکه بدی می‌خواهد
- قَطَرَاتُ الْمَاءِ الَّتِي تَنْزَلُ مِنَ السَّحَابِ.  
قطرهای آبی است که از ابر پایین می‌آید.
- نَتْيَجَةُ احْتِرَاقِ الْخَشِبِ وَ غَيْرِهِ.  
نتیجه سوختن چوب و غیر چوب است.
- مَنْ يَعْمَلُ فِي زِرَاعَةِ الْأَرْضِ.  
کسی که در کاشت زمین کار می‌کند.

## ٤١ التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● زیر هر تصویر<sup>۱</sup> نام آن را به عربی بنویسید.

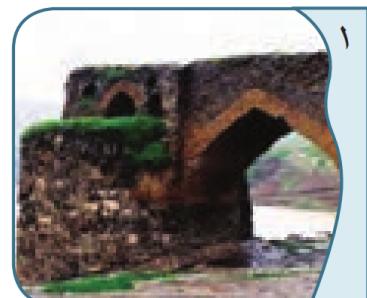
«شَلَالُ شُوشَتْ / عَلَمُ إِيْرَان / جِسْرُ جَاؤمِيشَان / سُوقُ كَرْمَان / غَابَةُ مَدِيْنَةِ مِينُودَشْت / عَيْنُ بَيْسَتُون»



شَلَالُ شُوشَتْ



جِسْرُ جَاؤمِيشَان



سُوقُ كَرْمَان



عَلَمُ إِيْرَان



غَابَةُ مَدِيْنَةِ مِينُودَشْت



عَيْنُ بَيْسَتُون

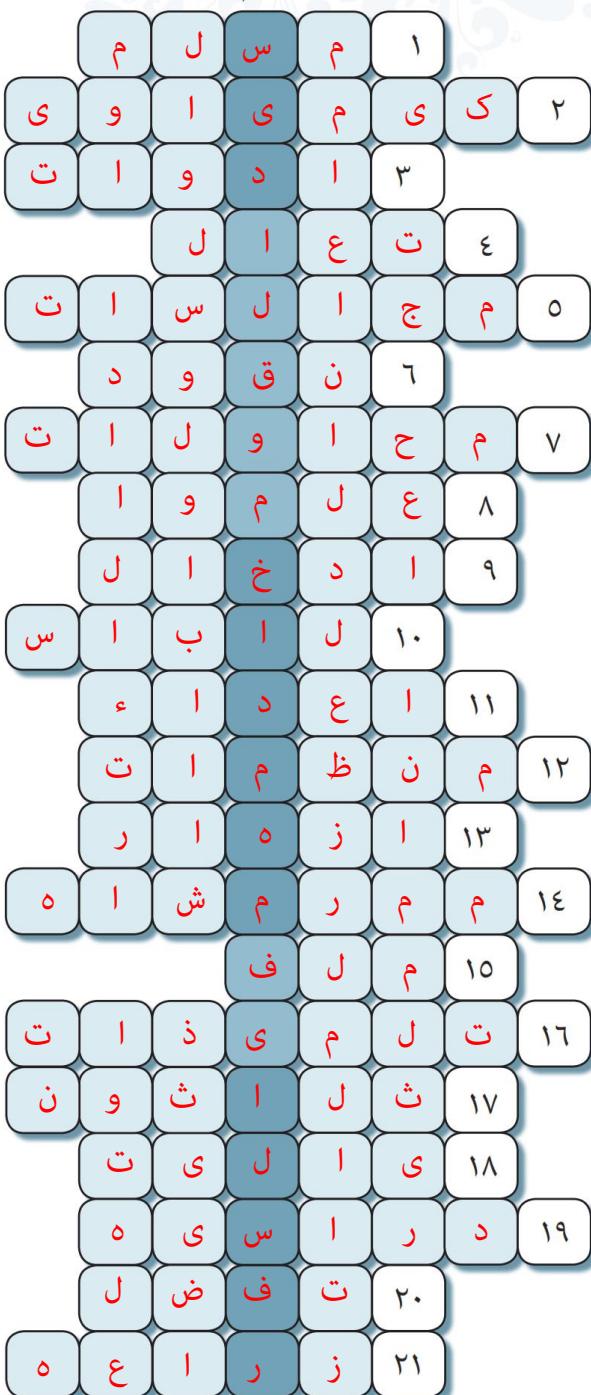
<sup>۱</sup>. تصویرهای بالا به ترتیب از استان‌های: ۱. ایلام و لرستان. ۲. کرمان. ۳. خوزستان. ۴. کرمانشاه. ۵. گلستان است.

## الْتَّمْرِينُ السَّابِعُ

با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.  
کیمیاوی / أدوات / مسلم / نقود / مجالسات / محاولات / ملطف / ازهار / إدخال / علّموا / لا بأس /

مَمْرُّ مشاه / تعال / منظمات / أعداء / زراعة / تفضل / تلميذات / ثلاثون / ياليت / دراسية

رمز ↓



- (١) مسلمان
- (٢) شیمیایی
- (٣) ابزارها
- (٤) بیا
- (٥) همنشینی‌ها
- (٦) پول
- (٧) تلاش‌ها
- (٨) دانستند
- (٩) داخل کردن
- (١٠) اشکالی ندارد
- (١١) دشمنان
- (١٢) سازمان‌ها
- (١٣) شکوفه‌ها
- (١٤) گذرگاه پیاده
- (١٥) پرونده
- (١٦) دانشآموزان (دختر)
- (١٧) سی
- (١٨) ای کاش
- (١٩) تحصیلی
- (٢٠) بفرما
- (٢١) کشاورزی

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

رمز : هـ سید القوم خادمهم فی السَّفَرِ (بزرگ قوم در سفر خدمتگزارشان است). هـ

## كَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

الْأَحَبُ إِلَى اللَّهِ (محبوب ترین نزد خداوند) مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۱. «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ إِذْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُسْلِمِ.»

محبوب ترین کارها نزد خداوند پس از واجبات دینی، شاد کردن مسلمان است.

۲. «أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كُثِرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي.»

محبوبت ترین خوراک نزد خدا آن است که دستها بر آن زیاد باشد.

۳. «أَحَبُّ بُيُوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ يَئِسَّ فِيهِ يَتِيمٌ مُّكَرِّمٌ.»

محبوب ترین خانه هایتان نزد خدا خانه‌ای است که در آن یتیمی گرامی داشته شود.

۴. «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.»

محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمند ترین آنها به بندگانش است.

۵. «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ الْلِّسَانِ.»

محبوب ترین کارها نزد خداوند حفظ زبان است.



## تحقيق

در یک صفحه کتاب درسی فارسی، زیر کلمات دارای ریشه عربی خط بکشید؛ سپس

همه کلمات آن را بشمارید و درصد کلمات عربی را معلوم کنید.